

Designing a Pathological Pattern of Self-Imposed Educational Method from the Viewpoint of Quran and Narratives through Grounded Theory

Yaghoub Zare*

Zohreh Esmaeili**

Mohammad Reza Sarmadi***

Tayebeh Safaei****

Abstract

This research aimed to identify a pathological pattern of self-imposed educational method from the viewpoint of Quran and narratives. This qualitative research applied grounded theory. The sampling was theoretically done. The data were analyzed in three steps of open, axial, and selective stages. The research content included the Quranic verses and narratives which were valid in terms of their references. In this research, based on the view of Islam, a pathological pattern of self-imposed educational method through grounded theory was presented. The findings of the research showed that the pathological pattern of self-imposed educational method from the view of Islam is discussable from harmful and favorable aspects. The harmful aspect emphasizes vindictive action, learning and assimilation, the weakening of self-esteem, dependence, lag, pretending to social etiquette, hatred and opposition, hypocrisy, the feeling of debasement, and self-inferiority. In addition, the favorable aspect pays attention to removing bad moral traits, saving life and security, training characters incompatible with nature, the firmness of social life, providing a suitable environment for everyone's effort, test, responsibility, peace and self-reliance, and respecting social discipline.

Keywords: pathology, educational method, self-imposed, grounded theory

* Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Corresponding Author, y.zare@pnu.ac.ir

** Assistant Professor of Payam Nour University, Department of Educational Sciences, esmaeilyir@yahoo.com

*** Professor of Payam Nour University, Department of Educational Sciences, Ms84sarmadi@yahoo.com

**** Assistant Professor of Payam Nour University, Department of Educational Sciences, T_safae@yahoo.com

طراحی الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس از منظر آیات و

احادیث براساس نظریه داده‌بنیاد

یعقوب زارع*

زهره اسمعیلی**

محمدرضا سرمدی***

طیبه صفایی****

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس از منظر آیات و احادیث بود. این تحقیق از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. نمونه‌گیری به صورت نظری انجام شد. داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. مواد و محتوای این پژوهش آیات و احادیثی بود که از نظر سند معتبر است. در این مقاله با مبنا قرار دادن دیدگاه اسلام، الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس با استفاده از روش داده‌بنیاد استخراج شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس از دیدگاه اسلام از دو جنبه آسیب‌زا و مطلوب قابل پیگیری است که جنبه آسیب‌زا بر تجری و اقدام تلافی‌جویانه، یادگیری و همانندسازی، تضعیف عزت نفس، وابستگی، واماندگی، تظاهر به آداب اجتماعی، تنفر و مخالفت، نفاق و دورویی، احساس حقارت و خود کم‌بینی تأکید دارد و همچنین جنبه مطلوب؛ زدودن صفات ناپسند اخلاقی، حفظ حیات و امنیت، تربیت طبایع ناسازگار با فطرت، قوام زندگی اجتماعی، فراهم آوردن زمینه مناسب برای تلاش همگانی، ابتلا و آزمایش، مسئولیت‌پذیری، آرامش و خوداتکائی و احترام به انضباط اجتماعی مدنظر قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، روش تربیتی، تحمیل به نفس، داده‌بنیاد.

y.zare@pnu.ac.ir

esmaeilir@yahoo.com

Ms84sarmadi@yahoo.com

T_safae@yahoo.com

* استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران (نویسنده مسئول).

** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران.

*** استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران.

**** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۵ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

۱. مقدمه

بهره‌گیری از الگوی نظری مناسب به تحلیل و واکاوی هرچه بهتر پدیده‌های تربیتی می‌انجامد. در زمینه مسائل تعلیم و تربیت نظریات مختلفی وجود دارد که هرکدام با تأکید بر مفروضات مختلف به بررسی موضوعات تربیتی می‌پردازند (قائمی مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۴). با توجه به نظریات گوناگونی که در مورد مسائل تعلیم و تربیت وجود دارد، ضروری است که افراد شناخت درستی از تربیت اسلامی داشته باشند (اسلامی مهر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۰۱). اسلام نظام تربیتی ویژه دارد که پیروان خود را به اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های درست در انجام کارها توصیه کرده است، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه درآیید (چه این کار ناشایسته است)، نیکویی آن است که پارسا باشید و در هر کاری از "راه" آن داخل شوید»^۱ (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۸۰). در تفسیر این آیه، امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: «هر کاری را از راه خودش انجام دهید؛ هر کاری که باشد»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۰۴)؛ بدین ترتیب در ارتباط با مفهوم تربیت می‌توان گفت که تربیت تنها به ایجاد رفتارها، حالت‌ها و نگرش‌های معینی در افراد محدود نمی‌شود، بلکه نحوه ایجاد آنها نیز در مفهوم تربیت ملحوظ است. ملاحظه‌های روشی را نمی‌توان از مفهوم تربیت بر کنار دانست. مفهوم تربیت آن قدر انعطاف‌پذیر نیست که ما را از لحاظ روشی، محدود به حدودی نکند (باقری، ۱۳۸۶، ص ۶۲). انسان‌ها برای دستیابی به تربیتی مناسب در راستای وصول به سعادت و کمال ابدی برای خود و دیگران به روش‌های تربیتی همگام با زمان و مکان و موقعیت خود نیاز دارد (حسین‌زاده و قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۵۷). در قلمرو تعلیم و تربیت برای به فعلیت رساندن استعدادها، انسان، مکاتب مختلف تربیتی روش‌های متفاوتی را عرضه می‌کنند. در این میان، دین اسلام نیز روش‌های مخصوص به خود را دارد (باقری، ۱۳۸۲، ص ۳۷). در فرایند تربیت اسلامی برای تربیت انسان‌ها، روش‌های گوناگونی به کار می‌رود. بهره‌گیری از روش تربیتی تحمیل به نفس^۳ در تربیت اجتناب‌ناپذیر است. یکی از روش‌هایی که می‌تواند ما را در نهادینه‌سازی آموزه‌های دینی یاری کند، «تحمیل به نفس» است که عنصر محوری آن، ایجاد باور به حقانیت آموزه‌های دینی از راه تکرار می‌باشد. آنچه در ارتباط با روش تربیتی تحمیل به نفس، مسئله و محل بحث می‌باشد، چگونگی بهره‌گیری از این روش و شناخت جنبه‌های آسیب‌زا و مطلوب آن است. در این میان، آنچه تاکنون مورد بحث واقع شده، جنبه مثبت و ایجابی بوده است و از جنبه ناصواب کمتر سخن

۱. وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (بقره، ۱۸۹).
 ۲. قال امام باقر (علیه السلام): «أَنْ يَأْتِيَ الْأَمْرُ مِنْ وَجْهِهَا مِنْ أَى الْأُمُورِ كَانَ».

گفته‌اند. اکنون با استناد به آموزه‌های دین اسلام هدف نوشتار حاضر طراحی الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس از منظر قرآن و احادیث است؛ از این رو تلاش می‌شود ضمن بررسی مبانی نظری روش تربیتی تحمیل به نفس از دیدگاه اسلام، با استفاده از راهبرد پژوهشی داده‌بنیاد، الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس از منظر قرآن و احادیث ارائه شود.

۲. مبانی نظری روش تربیتی تحمیل به نفس

۲-۱. معنای لغوی تحمیل به نفس

تحمیل یعنی ملزم کردن فرد به انجام امری، اعمال نفوذ فردی بر فرد دیگر که در فرهنگ لغت‌های فارسی در معنای «بارکردن، کاری را به زور به عهده کسی گذاشتن» (معین، ۱۳۶۰) و در لغت‌نامه دهخدا به معنای «بار نهادن، چیزی را بر دیگری حمل کردن» آمده است (دهخدا، ۱۳۹۱). روش اکراهی، اجباری و تحکمی نیز به همین معناست؛ اگرچه از نظر دقت علمی ممکن است تفاوت اندکی داشته باشند، ولی هر سه معنای متعددی دارند که از اعمال نفوذ فردی بر فرد دیگر حکایت دارد، اما تحکم که معنای لازمی دارد، به معنای حکم راندن و تصرف در امور براساس خواست خود می‌باشد؛ به سخن دیگر، تحکم یعنی زورگویی و اعمال نفوذ بدون اینکه دلیلی برای حکم و سخن خود بیان کند. به هر حال هرچند این چهار واژه در الزام کردن فرد به انجام کاری، شدت و ضعف دارند؛ ولی هم‌سویی آنها در این معنا کافی است که این روش را به یکی از آنها نامگذاری کنیم (قائم‌مقدم، ۱۳۹۰، ص ۵۳). در شکل مطلوب آن می‌توان گفت در این روش نیز باطن انسان توسط ظاهر وی ساخته می‌شود. هنگامی که با وجود گریز و کراهت باطن، اعضا و جوارح به انجام عملی وادار گردند، روش تحمیل به نفس مورد استفاده قرار می‌گیرد (باقری، ۱۳۸۲، ص ۷۱).

۲-۲. معنای اصطلاحی تحمیل به نفس

از جمله روش‌هایی که ممکن است در تربیت به کار گرفته شود، تحمیل کردن اموری بر متریبی برخلاف میل اوست؛ تحمیل یعنی وادار کردن فرد به انجام امری بدون اینکه به میل، انگیزه و خواسته او توجه شود و یا در این باره با وی مشورتی انجام گیرد (قائم‌مقدم، ۱۳۹۰، ص ۵۳). بدین ترتیب می‌توان گفت تحمیل به معنای الزام کردن فرد به انجام برنامه‌های مورد نظر است، ولی آنچه در اینجا از جنبه تربیتی در ارتباط با به‌کارگیری روش تربیتی تحمیل به نفس بین مریبی و متریبی مطرح می‌باشد، نبود اجبارهاست. پس آنچه باید در این روش تربیتی مورد توجه قرار گیرد، مواجهه سازنده با محدودیت‌هاست. روش تربیتی تحمیل به نفس، محدود به حدود معینی است، نخستین

حد آن است که این روش در حیظه «عمل» به کار می‌آید، نه در قلمرو «ایمان». حد دیگر آن است که تحمیل نباید چنان باشد که مایه اغراض دل شود (باقری، ۱۳۸۲، ص ۷۱).

در فرایند تربیت دینی، اساساً دریافت، الهام، ایمان، اعتقاد و کشف حس دینی در طبیعت و فطرت مرتبی به ودیعه نهاده شده است؛ تنها زمینه‌یابی و آماده‌سازی روانی و عاطفی لازم است تا خود فرد بدون اجبار بیرونی به کشف و شکوفایی آن حس دست یابد. با توجه به مضمون آیات قرآن می‌توان گفت اگر هم آموزشی و تعلیمی در این مورد وجود دارد، باید در جهت یاری دادن به مخاطب برای چگونگی کشف آن از درون خود باشد، نه اینکه آموزه‌های دینی از بیرون تحمیل و یا به‌طور آماده در اختیار او گذاشته شود. تربیت امری اختیاری است که براساس آگاهی دادن و بر هدایت و ارشاد مبتنی می‌باشد و به هیچ‌وجه به اجبار، تحمیل، فشار و شدت عمل سازگار نیست. هیچ‌کس را به جبر و زور نمی‌توان به شیوه‌های درست و بر مبنای درست تحت تربیت قرار داد (قائمی امیری، ۱۳۸۷، ص ۹۵). چنان‌که به درستی می‌توان این موضوع را از مضامین آیات دریافت. قرآن کریم می‌فرماید: «ما به حقیقت راه (حق و باطل) را به انسان نشان دادیم، حال خواهد هدایت پذیرد و شکر این نعمت گوید و خواهد آن نعمت را کفران کند»^۱ (انسان، ۳)؛ همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «چنین نیست که آنها پنداشتند قرآن محققاً همه پند و اندرز است تا هر کس خواهد متذکر حق شود»^۲ (مدثر، ۵۴ و ۵۵). از سوی دیگر نظر به مقتضای خبث باطن و شرارت طبع و سرکشی نفس، همه افراد نسبت به پذیرش مقررات اجتماعی و پایبندی به اصول همزیستی یکسان نیستند، پس برای رام کردن نفس سرکش و طبیعت چموش و خمیره طغیانگر که با تشویق و نرمی تن به رعایت حقوق دیگران نمی‌دهد، به حکم عقل و خرد و فرمان شرع، ناگزیر از بیم و تهدید و زور خواهیم بود و در صورت اثبات ناکارایی روش اندازه، تنبیه و اجبار می‌توان ایزاری مناسب برای تربیت طبایع ناسازگار با ناموس فطرت باشد (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۸، باب صفت علماء، ح ۳).

چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که با خوش رفتاری اصلاح نشود، مجازات بجای و نیکو اصلاحش خواهد کرد»^۳ (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۴۰، ف ۷۷، ح ۵۴۷)؛ همچنین پیامبران الهی که بیش از هرکس از ویژگی‌ها و خصایص و نیازهای نفوس مردم آگاه بوده‌اند، در دعوت خود در کنار ترغیب و تشویق و تبشیر از انذار و هشدار نیز استفاده می‌کردند، تا آنجا که مبشر (بشارت‌دهنده) و نذیر (بیم‌دهنده) از القاب خاص رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شمرده شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و نفرستادیم تو را جز برای آنکه بشارت (رحمت) دهی و (کافران را از عذاب

۱. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان، ۳).

۲. «كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ * فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرَهُ» (مدثر، ۵۴ و ۵۵).

۳. «مَنْ لَمْ يَصْلِحْ حُسْنُ الْمَدَارَاهِ يَصْلِحْهُ حَسَنُ الْمُكَافَاةِ».

الهی) بترسانی»^۱ (اسراء، ۱۰۵). در قرآن کریم نیز هر جا سخن از عمل صالح و پاداش نیکوکاران به میان آمده، کيفر و عقوبت سرباز زدن از تکالیف الهی نیز گوشزد شده است. از اوصاف بهشت و نعمت‌های آن همراه با دوزخ و کيفر گناهان یاد شده است (ساعی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱). با توجه به مضمون آیات و احادیث و نیز با توجه به استعداد و ظرفیت وجودی تفکر، اختیار و انتخاب انسان و به دنبال آن برخورداری از حق انتخاب خوبی و بدی و حرکت در مسیر خیر و شر، به نظر می‌رسد باید جهت شکوفایی و بهره‌مندی انسان از استعدادهای خود در مراحل مختلف زندگی، تابع قوانین و مقررات و محدودیت‌ها و الزام‌هایی باشد. ارزش انسان به گونه‌ای است که باید در انجام برخی کارها، به زبان آوردن بعضی مسائل، نگریستن بر برخی موارد، گوش دادن به بعضی سخنان، آواها و صداها حرمت خود را نگه دارد. وی در انجام این امور به ظاهر آزاد است، ولی انسانیت وی زمانی معنا و مفهوم خواهد یافت که بتواند در هر زمینه، آنچه را که مانع سعادت و خوشبختی این دنیا و آخرت اوست، رها کند؛ هواها و هوس‌های نفسانی را نادیده گیرد و شأن و منزلت خود را حفظ کند (قائم‌امیری، ۱۳۸۷، ص ۹۸).

در فرهنگ اسلام، فرزندان امانت‌های الهی‌اند و والدین و مربیان مسئول حفظ سلامت، رشد، تربیت و سعادت آنان می‌باشند. امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق خود می‌فرماید: «تو مسئول آنچه هستی که در اختیارت قرار داده شده است»^۲ (جعفری، ۱۳۷۷، ص ۲۶۹). با توجه به کلام امام سجاد (علیه السلام) می‌توان گفت نباید فرزندان را در آزادی مطلق و بی‌عنان رها کرد و یا با سخت‌گیری افراطی اموری را بر آنان تحمیل کرد؛ از سوی دیگر این نکته را می‌توان از آیه ۶ سوره تحریم به خوبی استنباط کرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتش نگه دارید»^۳ که تعبیر قرآن با کلمه قواه یعنی «نگه دارید»، اشاره به این موضوع است که اگر فرزندان را به حال خود رها کنید - خواه ناخواه - به انحراف از اصول تربیت درست کشیده می‌شوند و از سوی دیگر، اگر بر آنان سخت‌گیری یا به گونه‌ای رفتار کنید که استبداد و تحمیل را احساس نمایند، به طغیان و ایستادگی آنان در برابر مربیان و والدین خواهد انجامید (دلآوری و صفورایی، ۱۳۹۱، ص ۳۶). در این روش، مربی همان متربی است. در این روش باطن انسان بی‌رغبت است. تحمیل در جایی اجرا می‌شود که با وجود کراهت باطن، اعضا و جوارح به انجام عمل وادار گردند تا باطن بی‌رغبت راغب شود (دانش، ۱۳۸۹، ص ۲۷). جوهره روش تحمیل به نفس در بسیاری از احکام، آداب و دستورات اسلامی رسوخ دارد. چنان‌که بسیاری از عبادات و مناسک اسلامی معطوف به روش

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (اسراء، ۱۰۵).

۲. «فانك مسوول عما وليته».

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ».

تربیتی مخالف با خویش و تحمیل به نفس است. خواب نوشین بامداد را فدای نماز کردن، تحمیل دشواری روزه‌داری، انجام مناسک دشوار حج، تن دادن به جهاد، پرداخت خمس و زکات، رعایت حقوق مردم، بازداشتن دیده و ذهن و زبان از حرام، جملگی ناظر به روش تحمیل به نفس است (رفیعی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۳). امام علی (علیه السلام) با تکیه بر همین روش تربیتی می‌فرماید: «چون از کاری هراسانی، به آن تن ده، زیرا خود را پاییدن از آن کار، دشوارتر از خود چیزی است که از آن می‌هراسی»^۱ (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۵)؛ همچنین در جای دیگر به اعمالی که به نفس تحمیل می‌شود و با دشواری و از سر بی میلی به جای آورده می‌شود، نگاه ارزشی دارد و می‌فرماید: «بهترین کارها آن است که با ناخشنودی در انجام آن بکوشی»^۲ (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۹)؛ زیرا در این گونه کارها باید با میل خود درافتاد و برخاست خویش پا نهاد و مقوله‌ای برون نفسی را بر نفس تحمیل کرد. بدین ترتیب در این روش تربیتی تفهیم محدودیت‌ها و تحمیل‌ها چنان باید با نرمش، ملائمت، هوشیاری و آرامش صورت گیرد که متری نسبت به تحمیل‌های منطقی، آنها را پذیرا باشد و از آن نه به سبب زور و ترس بلکه برای رعایت ضرورت عمل کند؛ همچنین در تفهیم محدودیت‌ها، الزام‌ها و اجبارها، درک و فهم متریبان در نظر گرفته شود (همان، ص ۹۹).

۳. پیشینه پژوهش

آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی و اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پرداختن به هر امری روش خاص خود را دارد و در ارتباط با آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس چنین است، باید راه‌های آن را به دقت انتخاب و به درستی اجرا کرد. این مطلب در اندیشه‌های پرورشکاران و متفکران و نتایج تحقیقات پژوهشگران هویدا است. کریمی (۱۳۹۳)، ساجدی (۱۳۸۶)، گرامی (۱۳۹۱)، شمخانی و همکاران (۱۳۹۳)، دانش (۱۳۸۹)، شمشیری و نوذری (۱۳۹۰)، دلاوری و صفوراوی (۱۳۹۱)، اسمعیلی و علی‌پور (۱۳۹۷) و قائمی مقدم (۱۳۹۰)، نقش روش‌ها در دستیابی به اهداف تربیتی را مورد بررسی قرار دادند و ضرورت آن را در نظام تربیتی بیان می‌کنند. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، در ارتباط با روش تربیتی تحمیل به نفس از دیدگاه اسلام به صورت عمومی و کلی می‌توان به کتاب‌ها و مقالاتی اشاره کرد، اما در میان آنها کتاب و مقاله‌ای که از نظر موضوع و روش کار مشابه باشد، چندان به این شکل مبسوط کار نشده است؛ بدین ترتیب همان‌گونه که مشاهده

۱. «ولکن الله یختبر عباده بانواع الشدائد و یتعبد لهم بانواع المجاهد و یتلیمهم و یضروب المکاره، اخراجاً للتکبر من قلوبهم و اسکاناً للتذلل فی نفوسهم و لیجعل ذلک ابواباً فتحاً الی فضله و اسباباً ذللاً لعفوه».

۲. «افضل الاعمال ما کرهت نفسک علیه».

می‌شود با توجه به اینکه کارهای محدودی در قالب کتاب و مقاله در زمینه آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس از دیدگاه اسلام کار شده است و با وجود مشترکاتی که می‌توانند میان آنها با پژوهش حاضر وجود داشته باشد، اما پژوهشی دیده نمی‌شود که دقیقاً به موضوع تبیین طراحی مدل مفهومی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس پرداخته باشد. پس پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که «الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس از دیدگاه اسلام چیست؟».

۴. روش پژوهش

راهبرد این تحقیق داده‌بنیاد است. این راهبرد نوعی روش‌شناسی عمومی برای تدوین نظریه‌هایی است که در داده‌های گردآوری شده و تحلیل شده به صورت نظام‌مند ریشه دارد. هدف نهایی این راهبرد، ارائه تبیین‌های جامع نظری درباره یک پدیده خاص است که به صورت استقرائی از مطالعه آن پدیده خاص حاصل می‌شود (دانایی‌فرد و مؤمنی، ۱۳۸۷، ص ۳). نظریه داده‌بنیاد به دلیل ماهیت مقایسه‌ای و تطبیقی بودن تحلیل خود، همیشه ملازم با نمونه‌گیری نظری است. در نظریه داده‌بنیاد نخست نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود، زیرا نمونه‌گیری نظری نمی‌تواند پیش از شروع مطالعه برنامه‌ریزی شود، تصمیم‌های خاص نمونه‌برداری در خلال فرایند پژوهش شکل می‌گیرد (مرادی، ۱۳۹۳، ص ۱۰)؛ بدین ترتیب در این روش پژوهشگر به دنبال فرایند است و باید مواردی را انتخاب کند که به او در ساخت نظریه کمک کنند. ملاک انتخاب آیات و احادیث در این تحقیق، آیات و احادیثی بوده که از حیث سند معتبر بوده است و متأثر طرح و هدف پژوهش می‌باشد. از آنجا که هدف پژوهش، کشف عناصر الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس از منظر آیات و احادیث است، پژوهشگر به دنبال آیات و احادیثی بوده است که تبیین‌کننده الگوی مورد نظر باشد؛ تا بتوان با آیات و احادیث انتخاب شده، درک عمیقی از موضوع مورد مطالعه برای ساخت نظریه به دست آورد. در این راهبرد پژوهش سه فرایند مشخص وجود دارد که رویه‌های نمونه‌گیری نوعاً براساس آنها انتخاب می‌شوند. این فرایندها عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (باقری، ۱۳۸۹، ص ۱۷). بدین سان در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها به محض روشن شدن حوزه تحقیق و کلیاتی از مسئله و موضوع تحقیق، محقق وارد کار شد و عملاً کار تحقیق در حوزه یادشده را آغاز کرد. در این شیوه، نخست رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص می‌یابد. این رمزها در قالب مفهوم تعیین می‌شوند که آن را «رمزگذاری باز» می‌نامند. سپس با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و یافتن پیوندهای میان آنها «رمزگذاری محوری» انجام می‌شود و سرانجام با «کدگذاری انتخابی» مقوله‌ها پالایش

می‌شوند (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ بدین ترتیب در این پژوهش با توجه به هدف پژوهش از میان رویکردهای موجود در فرایند پژوهش برای تبیین و ساخت نظریه از رویکرد تأسیسی و با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد، الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس از منظر آیات و احادیث طراحی شد.

۴-۱. کدگذاری باز روش تربیتی تحمیل به نفس

برای طراحی الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس هم‌زمان با تجزیه و تحلیل داده‌ها، کدگذاری باز انجام شد. در کدگذاری باز آیات و احادیثی که در مورد روش تربیتی تحمیل نفس می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفت. گزینش این آیات و احادیث با توجه به جستجوی «مفهوم تحمیل به نفس» بود که حدود ۵۹ آیه و حدیث را در بر می‌گرفت. کدگذاری باز در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱: کدگذاری باز روش تربیتی تحمیل به نفس

مقولات	مفهوم (کد)	ترجمه آیات و احادیث (داده)	شناسه
توجه به اختیار و انتخاب در فرایند هدایت	نقش اختیار در انتخاب مسیر هدایت	«ما به حقیقت راه (حق و باطل) را به انسان نشان دادیم، حال خواهد هدایت پذیرد و شکر این نعمت گوید و خواهد آن نعمت را کفران کند» (انسان، ۳).	b۱
	مختار دانستن انسان	(ای رسول ما) بگو من از شما امت مزد رسالت نمی‌خواهم، اجر من همین بس که هر کس بخواد راه خدای خود پیش گیرد (فرقان، ۵۷).	b۲
	امکان‌پذیری هدایت انسان	چنین نیست که آنها پنداشتند، قرآن محققاً همه پند و اندرز است تا هر کس خواهد متذکر حق شود (مدثر، ۵۴ و ۵۵).	b۳
	پرهیز از عاریه‌ای شدن	قال امام کاظم <small>علیه السلام</small> : «خدایا! مرا از عاریه‌داران قرار مده و از حدّ تقصیر بیرونم میر (کلیبی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۷۳).	b۴
	نقش اختیار و انتخاب در هدایت	و اما نمودیان، پس آنان را راهبری کردیم، (ولی) کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند (فصلت، ۱۷).	b۵
	مختار دانستن انسان در انتخاب	هرکس که به راه آمد، تنها به سود خود راه آمده و هرکس به بیراهه رفت، تنها به زیان خود به بیراهه رفته است (اسراء، ۱۵).	b۶
	هدایت‌پذیری در سایه انتخاب	و بگو حق از جانب پروردگارتان (رسیده) است، پس هرکس که بخواد بگردد و هرکس بخواد انکار کند (کهف، ۲۹).	b۷
	نقش دین در بصیرت‌یابی	آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماسست، البته از سوی خدا آمده، پس هرکس بصیرت یافت، خود به سعادت رسید و هرکس کور بماند، خود در زیان افتاد و من نگهبان شما از عذاب خداوند نیستم (انعام، ۱۰۴).	b۸
	بهره‌گیری از فهم و آگاهی همراه با توکل	قال امام علی <small>علیه السلام</small> : و اگر نفس تو از پذیرفتن سرباز زند و خواهد چنانکه آنان دانستند بداند، پس تلاش کن تا درخواست‌های تو از روی درک و آگاهی باشد، نه به شبهات روی آوری و از دشمنی‌ها کمک گیری، پیش از پیمودن راه پاکان، از خداوند یاری بجوی... (نهج البلاغه، نامه ۳۱).	b۹

	نقش انتخاب انسان در دستیابی به ریسمان الهی	راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن شد، پس هرکس از راه کفر و سرکشی برگردد و به راه ایمان و پرستش خدا گراید، به رشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست و خداوند (به هر چه خلق گویند و کنند) شنوا و داناست» (بقره، ۲۵۶).	b۱۰
	روشن بودن راه و نفی اکراه	در قبول دین اکراهی نیست، زیرا راه درست از راه انحرافی روشن شده است (بقره، ۲۵۶).	b۱۱
	اجباری نبودن ایمان و اعتقاد دینی	و اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی را به اجبار ایمان می‌آوردند، آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند (یونس، ۹۹).	b۱۲
	نقش هدایتی دین و نفی اجبار	پس (ای پیامبر) تذکر بده که تو تنها تذکردهنده‌ای، تو بر آنان سلطه‌گر نیستی که بر ایمان مجبورشان کنی (غاشیه، ۲۱ و ۲۲).	b۱۳
	تأکید بر نقش ارشادی دین و نفی تحمیل	ما به آنچه آنها می‌گویند، آگاه‌تریم و تو بر اجبار آنها، به ایمان مأمور نیستی، پس به وسیله قرآن کسانی را که از عذاب من می‌ترسند، متذکر ساز (قاف، ۴۵).	b۱۴
	نفی اکراه و الزام در پذیرش ایمان	(نوح) گفت: آیا اگر من دلیل روشنی از پروردگار داشته باشم و از نزد خودش رحمتی به من داده و بر شما مخفی مانده باشد [آیا باز هم رسالت مرا انکار می‌کنید؟] آیا ما می‌توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم، در حالی که کراهت دارید؟ (هود، ۲۸).	b۱۵
نفی اجبار و اکراه	توجه به اختیار و انتخاب و عدم اجبار	قال امام علی <small>علیه السلام</small> : «شما زنده ماندن را دوست دارید و من نمی‌توانم شما را به چیزی که دوست ندارید، اجبار سازم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۸).	b۱۶
	تأثیر پرهیز از اجبار در اعتماد	قال امام علی <small>علیه السلام</small> : بدان که هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به وفاداری مردم، بهتر از احسان به آنها و تخفیف هزینه‌ها بر آنان و عدم اجبارشان به کاری نیست که وظیفه ندارند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).	b۱۷
	توجه به رغبت و نبودن اکراه	قال امام علی <small>علیه السلام</small> : دل‌ها را روی آوردن و پشت کردن است، پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی، زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می‌گردد (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۳).	b۱۸
	پرهیز از زور و تحمیل	قال امام صادق <small>علیه السلام</small> : عبادت را به نفس‌های خود تحمیل نکنید (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۲).	b۱۹
	نقش اندیشه در شایستگی	قال امام علی <small>علیه السلام</small> : انسان به حکم اینکه انسان است و شعور و اندیشه دارد؛ از راه پند و اندرز و ادب شایسته می‌شود نه از طریق زورگویی و تنبه بدنی (نهج البلاغه، نامه ۳۱).	b۲۰
	عدم تحمیل و در نظر گرفتن نیازهای زمان	قال امام علی <small>علیه السلام</small> : والدین آداب و رسوم خود را به فرزندان تحمیل نکنند، همانا آنها انسان‌های غیر از زمان شما هستند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۶۷).	b۲۱
	تأثیر اکراه و اجبار در قلب	قال امام علی <small>علیه السلام</small> : هر گاه قلب، از روی اکراه به کاری وادار شود، کور می‌شود (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۳).	b۲۲
	رعایت اصل رفق و مدارا و پرهیز از سخت‌گیری و خشونت	نقش خوشرویی و خوش‌خویی در هدایت	پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> پیوسته خوشرو و خوش‌خوی بود، خشن و درشت‌خوی نبود (طبرسی، ۱۳۸۱).
تأثیر رفق و مدارا در هدایت		به برکت رحمت الهی در برابر آنان (مردم نرم و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند (آل عمران، ۱۵۹).	b۲۴
تأکید بر نقش هدایتی دین		«چنانچه انکار و اعتراض آنها تو را سخت و گران می‌آید اگر توانی تقبی در زمین بساز یا نردبانی بر آسمان برافراز تا آیتی بر آنها آوری! و اگر خدا می‌خواست همه را مجتمع بر هدایت می‌کرد؛ پس تو البته از جاهلان مباش» (انعام، ۳۵).	b۲۵

	شوق و امید و نفی سخت‌گیری	پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> : بر مردم آسان گیرید و سخت مگیرید و نوید دهنده باشید و در آنها نفرت ایجاد نکنید (سیوطی، ۱۴۲۴، ۱/۴۶۵)	b2۲۶
	تأکید بر نقش هدایتی دین با رویکرد عطاقت و مهربانی	اوست خدایی که هم خود و هم فرشتگانش بر شما درود می‌فرستند تا شما را از تاریکی‌ها بیرون آورده به عالم نور برسانند و او بر اهل ایمان مهربان است (احزاب، ۴۳).	b2۲۷
	نرمی و ملاحظت با کودکان	پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> : هر کس کودکی نزد او باشد، سلوکش با او به روش کودکانه باشد (عاملی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۲۶).	b2۲۸
	تأثیر نرم‌خویی و ملامت در هدایت و راهبری	به برکت رحمت الهی با آنها نرم‌خو و مهربان شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه (آل عمران، ۱۵۹).	b2۲۹
	نقش رفق و نرمی در هدایت	خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریق مناظره کن (نحل، ۱۲۵).	b2۳۰
	نفی سخت‌گیری بی‌مورد دین	پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> خطاب به عثمان فرمود: «ای عثمان! خداوند متعال، مرا به رهبانیت نفرستاده است؛ بلکه مرا به شریعت و دینی که مستقیم و آسان است، مبعوث کرده است» (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۴۹۴).	b2۳۱
	نقش نرمش و خوش رفتاری در هدایت	امام علی <small>علیه السلام</small> می‌فرماید: «محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> طبیعی سیار برای بیماران است که مرهم‌های شفابخش او آماده و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گذاخته است. برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال، آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸).	b2۳۲
توجه به اصل تفاوت‌های فردی و عدم ارائه تکالیف خارج از وسع	ارائه تکالیف در حد وسع	خداوند هیچ کس را تکلیف نکند، مگر به قدر توانایی او (بقره، ۲۸۶).	b2۳۳
	تأکید بر اعتدال و استمرار در سایه توجه به توانایی	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> فرمودند: بخشنده و کریم النفس باش اما ولخرج و اسراف کار نباش، و در زندگی خود ناظر و حساب‌گر باش اما سخت‌گیر و تنگ‌نظر نباش» (صبحی، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۷۴).	b2۳۴
	نقش میل و رغبت در نهادینه کردن احکام	قلب‌ها روی آوردنی و پشت کردنی دارد؛ وقتی روی می‌آورد، نافله‌ها و کارهای مستحب را بر او بار کنی و زمانی که پشت می‌کند، تنها به انجام کارهای واجب بسنده کنی (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۲).	b2۳۵
	ملازمت در عبادت	پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> : عبادت خداوند را به واسطه تحمیل فوق طاقت - در ذائقه بندگانش تلخ نکنید (کلینی، ۱۳۹۲).	b2۳۶
	ندادن تکالیف خارج از توان	همین‌طور که تن خسته می‌شود و احتیاج به استراحت دارد، دل انسان هم گاهی خسته می‌شود و احتیاج به استراحت دارد. مقصود از دل (روح) است. در این صورت، دیگر فکرهای سنگین را به او تحمیل نکنید (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۸).	b2۳۷
	در نظر گرفتن توانایی در ارائه تکالیف	«و در دین (اسلام) برای شما هیچ مشقت و سختی طاقت‌فرسایی قرار نداده است» (حج، ۷۸).	b2۳۸
	ابتلا و آزمایش	آزمایش در سایه قدرت درک	ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم، (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم (انسان، ۲).
آزمایش با برخورداری از نعمات الهی		در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است، زبوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند (کهف، ۱۷).	b2۴۰
خود را به سختی انداختن		چون از هر کاری هراسانی، به آن تن ده؛ زیرا خود را پاییدن از آن کار، دشوارتر از خود چیزی است که از آن می‌هراسی (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۵).	b2۴۱
درفاندن با خواست خویش		بزرترین کارها آن است که خود را به ناخواه به انجام آن وادار کنی (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۹).	b2۴۲
ارزش و اهمیت سختی		پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> : بهترین کارها دشوارترین آنهاست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۹۱)	b2۴۳

	دستیابی به رفتارهای سازنده در سایه سختی‌ها	اما خداوند بندگانش را به رنج‌ها و سختی‌های گوناگون می‌آزماید و با مجاهدت‌ها و کوشش‌ها به بندگی آنان را وامی‌دارد. با دشواری‌های ناخوشایند به ابتلا و آزمونشان می‌کشاند و تا تکبر و غرور را از قلب‌هایشان پاک کند و تواضع و فروتنی را در وجودشان مستقر سازد (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵).	b۴۴
رستگاری در سایه تزکیه نفس	پایداری زمینه‌ساز دستیابی به رستگاری	ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در برابر مشکلات و هوس‌ها)، استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و خود را آماده و مجهز سازید و از خداوند بپرهیزید، شاید رستگار شوید (آل عمران، ۳).	b۴۵
	زدودن صفات ناپسند اخلاقی	و سوگند به نفس [آدمی] و به آن که او را راست و درست کرد. پس بدکاری و پرهیزکاری‌اش را به وی الهام نمود؛ به یقین که هر کس نفس خود را پاکیزه سازد و رشد دهد، رستگار می‌شود (شمس، ۷-۹).	b۴۶
پذیرش منطقی الزام‌ها و محدودیت‌ها	نقش رعایت الزام‌ها در اصلاح رفتار	امام علی (علیه السلام): «پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آنکه زمامداران اصلاح گردند، و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).	b۴۷
	نقش اصلاحی کيفر و عقوبت در کنار رحمت	و نفرستادیم تو را جز آنکه بشارت (رحمت) دهی و (کافران را از عذاب الهی) بترسانی (اسراء، ۱۰۵).	b۴۸
	تاثیر الزام و اجبار در تربیت	امام علی (علیه السلام): «فرزندم از کسانی که پند و اندرز به آنها سود نمی‌بخشد، مگر وقتی که آنها را به رنج انداخته و بیازاری مباحث، زیرا خردمند با ادب و تربیت پند می‌گیرد اما چهارپایان تنها با تازبانه رام می‌گردند». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)	b۴۹
	نقش الزام در نگه داشتن از آسیب	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتش نگه دارید (تحریم، ۶).	b۵۰
	انجام اعمال و رفتار مخالف نفس	آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم و بار سنگین تو را از تو برداشتیم؟ همان باری که بر پشت تو سنگینی می‌کرد و آوازه تو را بلند ساختیم، به یقین با هر سختی آسانی است (انشراح، ۱-۵).	b۵۱
	اطاعت	پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): در هفت سال دوم، بنده و فرمانبردار و... است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۵)	b۵۲
	نقش حکومت اسلامی در تربیت و هدایت	امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «شما مردم را بر من حاکم اسلامی حقی است اما حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و شما را تعلیم دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و شما را تربیت کنم تا فراگیرید و تربیت شوید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)	b۵۳
	تحمیل امور نیک علی‌رغم میل درون	«و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو!» (اسراء/۲۳).	b۵۴
	نقش الزام‌ها در رعایت آداب مطلوب	امام صادق (علیه السلام): فرزندانان را گرامی بدارید و آدابشان را نیکو کنید تا آمرزیده شوید (عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵).	b۵۵
	تربیت نفس	با مبارزه همیشگی با هوای نفس، مالک آن شوید (تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ج ۴۸۹۸).	b۵۶
مسئولیت پذیری	نقش تلاش در سرنوشت	هر کسی در گرو دستاورد خویش است (مدثر، ۳۸).	b۵۷
	مسئول دانستن انسان	و بازداشتشان نمایند که آنها مسئولند (صافات، ۲۴).	b۵۸
	پاسخگو بودن	در آنچه (خدا) انجام می‌دهد چون و چرا راه ندارد، ولی آنها (انسان‌ها) سؤال خواهند شد (انبیاء، ۲۳).	b۵۹

۴-۲. کدگذاری محوری روش تربیتی تحمیل به نفس

پس از اینکه مفاهیم در کدگذاری باز مشخص شد؛ نوبت به کدگذاری محوری روش تحمیل به نفس فرا رسید. در این مرحله براساس ارتباط درونی بین مفاهیم، مقوله محوری شناسایی شد و سایر مفاهیم ذیل مقوله محوری قرار گرفت. در جدول ۲ مقوله‌های محوری نشان داده شده‌اند.

جدول ۲: کدگذاری محوری روش تربیتی تحمیل به نفس

مقولات	مفاهیم	شناسه
توجه به اختیار و انتخاب در فرایند تربیت	نقش اختیار در انتخاب مسیر هدایت + مختار دانستن انسان + امکان‌پذیری هدایت انسان + پرهیز از عاریه‌ای شدن + نقش اختیار و انتخاب در هدایت + مختار دانستن انسان در انتخاب راه + هدایت‌پذیری در سایه انتخاب + نقش دین در بصیرت‌یابی + بهره‌گیری از فهم و آگاهی همراه با توکل + نقش انتخاب انسان در دستیابی به ریسمان الهی	b2+b1 +b4+b3 5b+b6 b7+b8 b9++b10
نفی اجبار و اکراه	روشن بودن راه و نفی اکراه + اجباری نبودن ایمان و اعتقاد دینی + نقش هدایتی دین و نفی اجبار + تأکید بر نقش ارشادی دین و نفی تحمیل + نفی اکراه و الزام در پذیرش ایمان + توجه به اختیار و انتخاب و عدم اجبار + تأثیر پرهیز از اجبار در اعتماد + توجه به رغبت و نبودن اکراه + پرهیز از تحمیل و زور + نقش اندیشه در شایستگی + عدم تحمیل و در نظر گرفتن نیازهای زمان + تأثیر اکراه و اجبار در قلب	b11+b12 b13+b14 b15++16b+b17 +b18+b19+b20++ b21+b22
رعایت اصل رفق و مدارا و پرهیز از سخت‌گیری و خشونت	نقش خوروبی و خوش‌خویی در هدایت + تأثیر رفق و مدارا در دعوت و هدایت + نقش هدایتی دین و نفی سخت‌گیری + ایجاد شوق و امید و نفی سخت‌گیری و نفرت + نقش مدارا در متحول و متمایل دل و جان + نرمی و ملاحظت با کودکان + تأثیر نرم‌خویی و ملایمت در هدایت + نقش رفق و مدارا در پذیرش ایمان + نفی سخت‌گیری بی‌مورد دین + نقش نرمش و خوش‌رفتاری در هدایت	b23+b24+b25 b27++b28 b290+b30++b+b31 +b32
توجه به اصل تفاوت‌های فردی و عدم ارائه تکالیف خارج از وسع	ارائه تکالیف درحد وسع + تأکید بر استمرار در سایه توجه به توانایی + نقش میل در نهادینه کردن احکام + توجه به وسع و عدم اجبار + تکالیف خارج از توان + در نظر گرفتن وسع در ارائه تکالیف	+b33 +b34 0+b35+b36 +37b +b38
ابتلاء و آزمایش	آزمایش در سایه قدرت درک + آزمایش با برخورداری از نعمات الهی + خود را به سختی انداختن + درافتادن با خواست خویش + ارزش و اهمیت سختی + دستیابی به رفتارهای سازنده در سایه سختی‌ها + پایداری زمینه‌ساز دستیابی به رستگاری	b39+b40+b41 +b42+b43 +b44
رستگاری در سایه تزکیه نفس	پایداری زمینه‌ساز دستیابی به رستگاری + زدودن صفات ناپسند اخلاقی	b45+b46
پذیرش منطقی الزام‌ها و محدودیت‌ها	نقش مجازات در اصلاح رفتار + نقش اصلاحی کیفر و عقوبت درکنار رحمت + تأثیر الزام و اجبار در تربیت + نقش الزام در نگه داشتن از آسیب + انجام اعمال و رفتار مخالف نفس + اطاعت + زیاده‌روی در بازی، دلیل شقاوت + تحمیل امور نیک علی‌رغم میل درون + نقش الزام‌ها در رعایت آداب مطلوب	+b47+48b+b49 b50++b51++b52 b53+ b54+b55
مسئولیت‌پذیری	نقش تلاش در سرنوشت + مسئول دانستن انسان + پاسخگو بودن انسان	b56+b57+b58

۳-۴. کدگذاری انتخابی روش تربیتی تحمیل به نفس

در این پژوهش در مرحله کدگذاری انتخابی با توجه به مراحل پیشین، داده‌های سازماندهی شده در قالب مؤلفه‌های گوناگون و در ابعاد محدودتری دسته‌بندی شدند؛ به‌گونه‌ای که وجوه مشترک مؤلفه‌های سرآمده از مرحله پیشین شناسایی شده، و با توجه به اشتراکات آنها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری سازمان‌دهی شدند. در جنبه آسیب‌زا ضمن توجه به تفسیر و توضیح آیات و احادیث، از روش معکوس در نتیجه‌گیری و برداشت مفهومی مقولات آسیب‌زای روش تربیتی تحمیل به نفس در کدگذاری انتخابی استفاده شد. با وجود آن، تعداد این ابعاد به هشت مورد رسید. در جدول ۳ نگاهی از مرحله کدگذاری انتخابی نمایش داده می‌شود.

جدول ۳: کدگذاری انتخابی روش تربیتی تحمیل به نفس

موضوع	ابعاد	مقولات
روش تربیتی تحمیل به نفس	جنبه آسیب‌زای تحمیل به نفس	نادیده گرفتن اختیار و انتخاب
		اجبار و اکراه
		سخت‌گیری و خشونت
		تکالیف خارج از وسع
	جنبه مطلوب تحمیل به نفس	پذیرش منطقی الزام‌ها و محدودیت‌ها
		ابتلا و آزمایش
		رستگاری در سایه تزکیه نفس
		مسئولیت‌پذیری

ارتباط و جایگاه مقولات محوری تحمیل به نفس از دیدگاه اسلام را در یک نمودار مفهومی می‌توان رسم کرد که در شکل زیر آمده است.

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱: الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس مبتنی بر دیدگاه اسلام برای نظام آموزشی

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش تلاش شده است تا الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس برای نظام آموزشی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد الگوسازی مفهومی شود. بررسی‌ها نشان داد که ماهیت این مرحله، از مرحله پیشین مجزاست. مدل‌سازی مرحله‌ای است که نیاز به تفکر، ابتکار، خلاقیت و خبرگی دارد؛ بدین ترتیب در پی مشاوره‌های فراوان با اساتید راهنما و مشاور و خبرگان این حوزه، مدل مفهومی جلوه‌گر شد. ابعاد برآمده از مرحله پیش در قالب «مقوله» و هریک با نقش و جایگاه معین به شرح زیر دسته‌بندی شدند: ۱. متغیرهای مؤثر؛ ۲. متغیرهای زمینه‌ساز؛ ۳. متغیرهای بازدارنده؛ ۴. نتایج و پیامدها. در این پژوهش عوامل اثرگذار بر روش تربیتی تحمیل به نفس دارای مقوله‌های فرعی و شامل تأکید بر الزام‌ها و محدودیت‌ها، اعتدال در اعمال محدودیت‌ها، مواجهه سازنده با محدودیت‌ها، آگاهانه و آزادانه بودن گفتار و اعمال و مجازات بجا و نیکو در حیطه عمل بودند. عوامل زمینه‌ساز شناسایی شده عبارتند از: فراهم‌سازی زمینه انتخاب آگاهانه، توجه به توانایی، توجه به میل و رغبت و رعایت اصل تدریجی بودن و هدایت و ارشاد. متغیرهای بازدارنده عبارت

بودند از: سخت‌گیری و خشونت، تکالیف خارج از توانایی، نادیده گرفتن اختیار و انتخاب، اطاعت‌پذیری مطلق و تأکید بر منبع و مرجع تغییر و تحول از بیرون؛ و نیز نتایج و پیامدهای شناسایی شده در دو بخش آسیب‌زا شامل تجری و اقدام تلافی‌جویانه، یادگیری و همانندسازی، تضعیف عزت نفس، وابستگی، و اماندگی، تظاهر به آداب اجتماعی، تنفر و مخالفت، نفاق و دورویی، احساس حقارت و خودکم‌بینی می‌باشد و در جنبه مطلوب شامل ترکیه نفس عامل رستگاری، حفظ حیات و امنیت، تربیت طبایع ناسازگار با فطرت، قوام زندگی اجتماعی، فراهم آوردن زمینه مناسب برای تلاش همگانی، ابتلا و آزمایش، مسئولیت‌پذیری، آرامش و خوداتکائی و احترام به انضباط اجتماعی است. الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس براساس الگوی تحلیلی شناخت دو جنبه آسیب‌زا و مطلوب روش مذکور در مسیر رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب بوده است و برای شناخت و توصیف آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس و هرگونه اظهارنظر در مورد آن می‌بایست با بررسی آیات و احادیث در مورد چگونگی استفاده آنها در مراحل مختلف تربیتی به شناخت درستی دست یافت؛ به عبارت دیگر باید برای شناخت ماهیت این روش تربیتی با تربیت‌آشنایی یافت و همزمان با شناخت این روش می‌بایست دو جنبه آسیب‌زا و مطلوب را به درستی درک کرد. در این بین نتایج و پیامدهای استفاده از این روش تربیتی را در فرایند تربیتی مورد توجه قرار داد و در کنار این عمل می‌بایست وظایف خود را تشخیص داد تا هدف نهایی تربیت تحقق یابد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش طراحی الگوی آسیب‌شناسی روش تحمیل به نفس از منظر اسلام برای نظام تعلیم و تربیت بوده است. روش تحقیق پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد است. با توجه به اینکه در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران سعی بر آن است که تربیت دانش‌آموزان ماهیتی دینی داشته باشد، اما این تلاش با وجود برخی موفقیت‌ها، با دشواری‌ها و بن‌بست‌های بسیار روبه‌روست. در این میان، دین اسلام روش‌های تربیتی مخصوص به خود را دارد. آگاهی از اسباب و وسائلی که بتواند به گونه‌ای سریع و آسان انسان را در رسیدن به اهدافش یاری رساند، ضروری است. در فرایند تربیت اسلامی برای تربیت انسان‌ها، روش‌های گوناگونی به کار می‌رود. بهره‌گیری از روش تربیتی تحمیل به نفس در تربیت اجتناب‌ناپذیر است. شناخت دو جنبه آسیب‌زا و مطلوب در روش تربیتی تحمیل به نفس از منظر اسلام موضوع این نوشتار است. الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس براساس الگوی تحلیلی شناخت دو جنبه آسیب‌زا و مطلوب روش مذکور در مسیر رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب بوده است

و برای شناخت و توصیف آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس و هرگونه اظهار نظر در مورد آن می‌بایست با بررسی آیات و احادیث در مورد چگونگی استفاده آنها در مراحل مختلف تربیتی به شناخت درستی دست یافت.

آنچه در اینجا از جنبه مطلوب تربیتی این روش در رابطه بین مربی و متربی و رعایت حقوق طرفین مطرح است، می‌توان گفت نفی تربیت تحمیلی به معنای نبود محدودیت‌ها نیست، بلکه نبود اجبارهاست. در فرایند تربیت، اساساً دریافت، الهام، ایمان، اعتقاد و کشف حس دینی در طبیعت و فطرت متربی به ودیعه نهاده شده است؛ تنها زمینه‌یابی و آماده‌سازی روانی و عاطفی لازم است تا خود فرد بدون تحمیل و اجبار بیرونی به کشف و شکوفایی آن حس دست یابد. با توجه به ظرفیت وجودی تفکر، اختیار و انتخاب انسان و به دنبال آن برخورداری از حق انتخاب خوبی و بدی و حرکت در مسیر خیر و شر، به نظر می‌رسد باید جهت شکوفایی استعدادهای انسان در مراحل مختلف زندگی، تابع قوانین و مقررات و محدودیت‌ها و الزام‌هایی باشد (قائمی امیری، ۱۳۸۷، ص ۹۸). چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که با خوش رفتاری اصلاح نشود، مجازات بجا و نیکو اصلاحش خواهد کرد» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۴۰، ف ۷۷ ح ۵۴۷). با توجه به مضمون کلام امام علی (علیه السلام) و همچنین با توجه به نتایج و پیامدهای جنبه مطلوب الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس می‌توان گفت بهره‌گیری درست از این روش به نتایجی می‌انجامد؛ همچون تزکیه نفس عامل رستگاری، حفظ حیات و امنیت، تربیت طبایع ناسازگار با فطرت، قوام زندگی اجتماعی، فراهم آوردن زمینه مناسب برای تلاش همگانی، ابتلا و آزمایش، مسئولیت‌پذیری، آرامش و خوداتکائی و احترام به انضباط اجتماعی در فرایند تربیت. نکته قابل توجه در بهره‌گیری این روش، اینکه محدود به حدود معینی است. نخستین حد آن است که این روش در حیطه «عمل» به کار می‌آید، نه در قلمرو ایمان آوردن؛ بدین ترتیب لازم به یادآوری است که در ارائه تکالیف، وسع فراگیران مورد توجه قرار گیرد تا سبب روی‌گردانی آن از انجام امور محوله نشود. یافته‌های این بخش از جنبه روش تربیتی تحمیل به نفس با نتایج تحقیقات باقری (۱۳۸۲)، قائمی مقدم (۱۳۹۰)، اسمعیلی و علی‌پور (۱۳۹۷) و کریمی (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

در مورد جنبه دیگر الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تحمیل به نفس، یعنی جنبه آسیب‌زا می‌توان گفت که پیشوایان اسلام الگوی رفتاری همراه با اعمال زور و قدرت را نادرست دانسته‌اند. از دیدگاه اسلام، انسان آزادی و اختیار دارد و اجبار، اکراه و تحمیل در تضاد با این ویژگی انسان و محروم کردن فرد از این موهبت الهی است. از سوی دیگر منطق قرآن این است که در امر دین اجباری نیست و نباید چیزی خارج از وسع انسان بر او تحمیل شود؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید:

«خداوند هیچ‌کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند»^۱ (بقره، ۲۸۶). بدین سان اعتقاد و ایمان موضوعی نیست که بتوان آن را با فشار و تحمیل بار خارج از ظرفیت و طاقت خود بدان دست یافت. نهادینه کردن عقاید و به‌ویژه عواطف و ملکه شدن منش‌های پسندیده در جان، هم زمان می‌طلبد و هم ظرافت. نه با شتاب می‌توان بدان رسید نه با کم‌طاقتی و خشونت، چیزی از آن حاصل می‌شود؛ بدین ترتیب بهره‌گیری از روش تربیتی تحمیل از سوی والدین و مربیان به عنوان رویکرد محوری می‌تواند با نتایج و پیامدهایی همراه باشد؛ همچون تجری و اقدام تلافی‌جویانه، یادگیری و همانندسازی، تضعیف عزت نفس، وابستگی، و اماندگی، تظاهر به آداب اجتماعی، تنفر و مخالفت، نفاق و دورویی، احساس حقارت و خودکم‌بینی. رویکردی که به شکل زیبا در کلام معصومین علیهم‌السلام نفی شده است. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: انسان به حکم اینکه انسان است و شعور و اندیشه دارد؛ با پند و اندرز و ادب شایسته می‌شود نه با زورگویی و تنبیه بدنی (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره در نظر گرفتن وسع‌مربی‌ان در امر تربیت عدم تحمیل چیزی خارج از توان آنان می‌فرماید: «آنچه از دست او برآید، قبول کند و آنچه بر او دشوار است، درگذرد؛ چیزی که طاقت آن را ندارد، بر او تحمیل نکند و او را به اعمال سفیهانه و احمقانه نکشاند» (عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۴۸۱). پس می‌توان گفت برای تربیت درست لازم است از شیوه اجبار و تحمیل به عنوان استراتژی اصلی پرهیز کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد نفی جنبه آسیب‌زای این روش به عنوان رویکرد اصلی در تربیت با نتایج تحقیقات ساجدی (۱۳۸۶)، دلاوری و صفورایی (۱۳۹۱)، چشم‌چراغ (۱۳۸۶)، کریمی (۱۳۹۳) و قائمی مقدم (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، ۲۸۶).

منابع

* قرآن کریم.

۱. اسلامی مهر، یعقوب و همکاران (۱۳۹۹)، «طراحی مدل مفهومی مراحل تربیت مبتنی بر دیدگاه اسلام و دلالت‌های تربیتی آن»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، ش ۴۶، ص ۱۹۹-۲۲۰.
۲. اسمعیلی زمان آباد، مریم و صدرا علی‌پور (۱۳۹۷)، «روش تربیتی تلقین به نفس و تأثیر آن روی باطن انسان از دیدگاه آیات قرآن»، فصلنامه قرآن و طب، دوره ۳، ش ۳، ص ۱۵۶-۱۶۳.
۳. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج‌البلاغه، تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم، قم، آیه‌الله مرعشی نجفی.
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۲)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، چ ۸، تهران: انتشارات مدرسه.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۶)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران: انتشارات مدرسه.
۶. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱ و ۲، چ ۲، تهران: انتشارات مدرسه.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد و سید جلال‌الدین محدث (۱۳۸۵ ش)، شرح غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد خوانساری، چ ۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. جعفری، بهزاد (۱۳۷۷)، ترجمه تحف‌العقول (۲ جلدی)، قم: نشر صدوق.
۹. چشم‌چراغ، عباس (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس»، مجله کتاب نقد، ش ۴۲، ص ۱۵۵-۱۶۷.
۱۰. حسین‌زاده، علی و هاجر قاسمی گورتی (۱۳۹۴)، «روش‌های شناختی آسیب‌زا در تربیت، با تاکید بر معارف علوی»، مجله سراج منیر، س ۶، ش ۲، ص ۵۷-۸۳.
۱۱. دانایی فرد؛ حسن و نونا مومنی (۱۳۸۷)، «تنوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (علیه السلام) استراتژی داده‌بنیاد متنی»، فصلنامه انقلاب اسلامی، س ۴، ش ۱۴، ص ۷۵-۱۱۲.
۱۲. دانش، اسماعیل (۱۳۸۹)، «روش‌های خود تربیتی از دیدگاه اسلام»، فصلنامه راه تربیت، س ۵، ش ۱۱، ص ۱۵-۳۶.
۱۳. دلاوری‌پور، محبوبه و محمد مهدی صفورایی (۱۳۹۱)، «شیوه‌های تربیت فرزندان»، فصلنامه مطالعات زنان و خانواده، ش ۷، ص ۱۳-۴۰.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۱)، لغت‌نامه دهخدا (۱۶ جلدی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵. رفیعی، بهروز (۱۳۸۱)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران: انتشارات سمت.
۱۶. ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، «ابزارها و روش‌های آسیب‌زا در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان»، فصلنامه انتقادی نظری کتاب نقد، ش ۴۲، ص ۳-۳۱.
۱۷. ساعی، محمود (۱۳۸۰)، اخلاق و تربیت اسلامی، چ ۱۵، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۴ق)، الدالمنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دارالفکر.
۱۹. شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۴۲۴)، نهج‌البلاغه (محمد دشتی)، چ ۳، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۲۰. شمخانی، اژدر؛ یاور نورعلیان و مظاهری عاشوری و سعید مالیر (۱۳۹۳)، «اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه امام خمینی (علیه‌السلام)»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۲۹، ص ۱۱۳-۱۳۶.
۲۱. شمشیری، بابک و مرضیه نودری (۱۳۹۰)، «آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم دینی، ادبیات کودکان و مربیان پیش دبستانی»، مجله تربیت اسلامی، س ۶، ش ۱۲، ص ۵۱-۷۳.
۲۲. صبحی، صالح (۱۴۱۴ق)، فهرس الالفاظ الغریبه المشروحه نهج‌البلاغه، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱-۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۱ش)، مکارم اخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران: نشر فراهانی.
۲۵. عاملی، حر (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه (۲۰ جلدی)، چ ۶، تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۶. قائمی امیری، علی (۱۳۸۷)، حدود آزادی در تربیت، چ ۳، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۲۷. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۹۰)، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلام، چ ۵، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۸. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۳)، تربیت آسیب‌زا، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۲۹. کلینی، ابی‌جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۹۲)، اصول کافی (۶ جلدی)، ترجمه آیت‌الله محمدباقر کمره‌ای، قم: نشر اسوه.

۳۰. گرامی، سید محمد هادی (۱۳۹۱)، «روش‌های زمینه‌سازی تربیتی در سیره معصومین (علیهم‌السلام)»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، س ۹، ش ۲۳، ص ۶۷-۱۰۴.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مرادی، مرتضی (۱۳۹۳)، «گذر پارادایمی از پژوهش‌های کمی به کیفی در علوم انسانی»، مجله رهیافت، ش ۵۷، ص ۹۳-۱۱۶.
۳۳. معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۴. مهربانی، امیرحمزه و همکاران (۱۳۹۰)، «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاده برای تحقیقات اسلامی»، مجله مدیریت فرهنگ سازمانی، س ۵، ش ۲۳، ص ۵-۳۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی